

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

علی ناظر
۱۶ مارچ ۲۰۲۴



علی ناظر

صدای پای فاشیسم – یادداشت های پراکنده

ظاهراً دنیای سرمایه خود را برای چرخش به سمت فاشیسم ۲۱ آماده می کند. بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که علت گرایش مردم به طرف احزاب سیاسی افراطی و فاشیست تنها به این خاطر است که از کارکرد احزاب اصلی سیاسی که طی چند دهه اخیر زمام قدرت را در دست داشته اند، به ستوه آمده و این گرایش و انتخاب نمایندگان با افکار تند افراطی نه به خاطر اینست که مردم هم نگاهی فاشیستی پیدا کرده اند، بلکه یک عکس العمل و اعتراض سفید است. انتخاب ترمپ (امریکا)، بوریس جانسون (بریتانیا)، خیرت ویلدرس (هالند)، جورجیو ملونی (ایتالیا) که مورد استقبال اجتماع ملی از فرانسه و حزب افراطی PiS پولند قرار گرفت، و بالاخره نتیجه انتخابات در پرتغال یکی از نمونه های اعتراضات سفید است.

اما داستان فقط به همین جا خاتمه پیدا نمی کند. احزاب اصلی در صحنه سیاست کشورهایی که دائماً از حقوق بشر و دموکراسی دم می زنند، آگاهانه موضعی انتخاب می کنند که نشان از گرایش چپ ها به سوی راست و راست ها به سوی راست افراطی و افراطی ها در حال گسترش و رسمیت دادن به واژه فاشیسم در این دوران، دارد. رئیس حزب کارگر بریتانیا پس از آن که از مواضع پیشین خود مبنی بر عدم ورود به جنگی بی نتیجه و پرهزینه، عقب نشینی کرد و بروشنی اذعان کرد که برای رسیدن به قدرت چاره ای نیست به جز بازنگری به تمامی مواضع پیشین (نتیجتاً بمباران دوباره یمن – اینبار توسط آمران جنگ)، چندی است که فقط به صورتی ضمنی و بسیار کم رنگ از اعضای چپ و قدیمی حزب که وکیل مجلس هستند، حمایت می کند و اجازه می دهد تا در روز روشن به وکیل سپاهپوست مجلس اهانت شود. عکس العمل متناسب توسط رهبر حزب کارگر (استارمر) تا به آن حد بی رمق است که رسانه های دست راستی و دولتی بریتانیا (به جای رهبر اپوزیسیون)، نخست وزیر (سوناک) را مجبور می کنند تا

جملات راسیستی را که توسط معاون رئیس حزب و همچنین یکی از حامیان مالی حزب محافظه کار را غیرقابل و راسیست بنامد.

حزب کارگر که از چپ به میانه چرخش کرده بود، امروز اذعان می کند که تعریف پیشنهادی حزب محافظه کار با تغییراتی می تواند مورد حمایت حزیش قرار بگیرد. این تعریف قرار است در مجلس مورد بررسی قرار بگیرد تا مشخص شود که چه کسی افراطی است. بنا به نظر بسیاری از تحلیلگران هدف از این بررسی، به گوشه راندن باورمندان به اسلام و بدون شک محدود کردن سازماندهان اعتراضات علیه هولاکاستی است که در حال رخ دادن در غزه است. اما، برای سفید شوئی این طرح فاشیستی، دولت در ارائه طرح از چند گروه فاشیستی سفیدگرا نام می برد تاخود را از متهم شدن به ترویج اسلاموفوبیا (اسلام هراسی) مبرا کند.

مهم نیست که این تعریف با رأی اکثریت روبه رو می شود یا نه، واقعیت اینست که اروپا در حال تدوین ایدئولوژی نئو فاشیسم که قابل هضم نسل قرن بیست و یکمی هم باشد، است. فاشیسم پس از شکست در نیمه قرن بیستم، دوباره جان تازه ای گرفته و قرار است با بازتعریف و بازسازی وجهه خود در پس واژه های پوپولیستی، خود را بر جامعه به عنوان حزبی مردمی تحمیل کند. امریکا، در شکل ترمپ، این طرح را از ۲۰۱۶ وارد دستور کار خود کرد، و روسیه و چین آن را از سالها پیش در دستور کار خود گذاشته اند.

تغییرات تنها در حوزه ایدئولوژی و نگرشی خلاصه نمی شود. ناتو در موازات، و در همین راستا در حال گسترش بازوان اختاپوسی خود در خطه اروپا است. امریکا (پس از رشد روزافزون نفوذ چین در غرب آسیا)، اقدام به بازسازی و تقویت قرارگاه های خود در غرب آسیا و تایوان کرده است. تونل کمک های انسانی در غزه بهانه ای برای ورود دائم امریکا به سرزمین فلسطین است. تا دیروز بمب بر سر مردم ستمدیده و گرسنه غزه می ریخت امروز مواد غذایی بر سر آنها فرود می آورد.

وزیر خارجه لتویا در مصاحبه ای پیرامون گسترش ناتو و خطر روسیه اظهار می کند که روسیه در آینده و پس از شکست در اکرین (؟) از شیطنت و خواست های امپریالیستی دست برنخواهد داشت و بدون شک به نفوذ و جنگ افروزی ادامه می دهد. وی نتیجه می گیرد که ناتو لازم است هرچه قدرتمندتر شود. او تأکید می کند که در آینده پیش رو، تنها زور و قدرت (نظامی) است که می تواند از پیشبرد اهداف امپریالیستی روسیه پیشگیری کند. وزیر خارجه لتویا معتقد است که برای مقابله با قدرها باید هرچه بیشتر مسلح شد.

سؤال : حال که فاشیسم در حال رشد است، و قدرت های جهانی علناً به سوی فاشیسم عریان پیش می روند، و قدرها تهدید به استفاده سلاح های گشتار جمعی می کنند، موقعیت ایران در این تغییرات چه خواهد بود؟ آیا پس از پایان قلع و قمع و هولوکاستی که در غزه در حال رخ دادن است و اکثر کشورهای اروپائی و امریکائی و عرب، حامی پنهان و عیان این گشتار هستند، نوبت ایران است که با خاک یکسان شود؟ آیا اگر ایران دارای بمب اتمی می بود، باز هم چنین خطری قابل پیش بینی می بود؟ پوتین تأکید کرده که اگر تمامیت عرضی روسیه به خطر بیفتد از سلاح اتمی استفاده خواهد کرد. در چنین حالتی بر ایران چه خواهد گذشت؟

شاید این سؤال ها وقتی جمهوری اسلامی (فاشیسم مذهبی) در حال بگیر و ببند مردم ستمدیده ایران است، آکادمیک به نظر بیاید، اما نوشدارو پس از مرگ ایران و بلعیده شدن آن توسط جنگ و فاشیسم افسار گسیخته بی فایده خواهد بود. و بالاخره، آیا نشست و برخاست کردن سرنگونی طلبان با فاشیست ها به نجات ایران یاری می رساند؟ با دو نقل قول خاتمه می دهیم:

وَإِذَا لَفُؤُوا آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلُوا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ (قران – آیت ۱۴، سوره بقره)
"و چون به اهل ایمان برسند گویند: ما ایمان آوردیم؛ و وقتی با شیاطین خود خلوت کنند گویند: ما با شما ایم، جز این نیست که (مؤمنان را) مسخره می‌کنیم." (آیا فاشیست هائی چون بولتون و پمپئو اینچنین نیستند؟)
"سرمایه داری برای حفظ حاکمیت طبقاتی خود، هر وقت عرصه را بر خود تنگ ببیند، به فاشیسم به عنوان آخرین وسیله نجات متوسل می شود. فاشیسم تنها ضد کمونیسم نیست، ضد همه خلق نیز هست و به وحشیانه ترین طرز، منافع حیاتی زحمتکشان و روشنفکران مترقی و تمام آزادی های دمکراتیک را تهدید می کند[۱۹۲۳]" (گنورکی دیمیتروف – مبارزه در راه جبهه واحد علیه فاشیسم، ۱۳۹۹، ص ۸)
علی ناظر 15/03/2024 (یک هفته پیش از نوروز ۱۴۰۳)